

بازنگری در روابط روسیه و آمریکا

فرشته نصراللهی¹

مقدمه

ایالات متحده آمریکا و روسیه دو بازیگر عمده در نظام بین الملل هستند. جغرافیای منافع ملی آنها به ترتیب جهانی و فرامنطقه ای است و لذا کیفیت روابط میان آنها در امنیت زا بودن یا امنیت زدا بودن سیستم نقش مهمی دارد. اگرچه بعد از فروپاشی شوروی تا کنون تعاملاتی در روابط طرفین دیده می شود، اما در سالهای اخیر روابط دو کشور رو به تیرگی نهاده است.

روابط روسیه و آمریکا بعد از فروپاشی شوروی وارد دوره جدیدی شد. ظهور حوادث تروریستی یازده سپتامبر 2001 روابط میان آنها را بیش از پیش به سوی همکاری پیش برد. در طی بحران اشغال عراق روابط دو طرف رو به سردی گرایید ولی بعد از اشغال دوباره بهبود یافت. کمکهای مالی آمریکا به روسیه، پذیرش روسیه در گروه هفت کشور صنعتی و تبدیل شدن آن به گروه هشت، بازگذاشتن دست روس ها برای مقابله با جدایی طلبان چین، افزایش سطح تبادلات تجاری و از جمله همکاری های آمریکا با روسیه بود. از سوی دیگر حمایت روسیه از اقدامات آمریکا در برخورد با طالبان و عدم مخالفت با همکاری

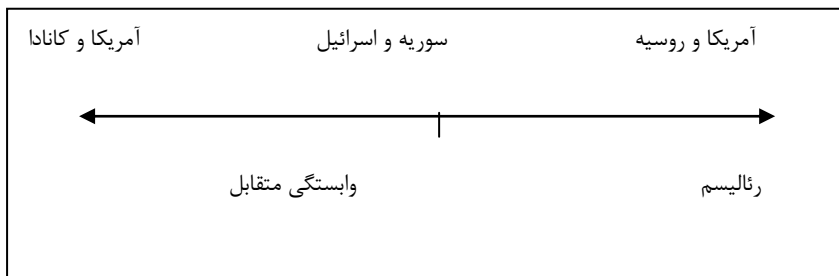
1 دانشجوی دکتری علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس
fereshteh_nasr87@yahoo.com

نظامی کشورهای آسیای مرکزی با آمریکا، تمرینها و مانورهای نظامی با آمریکا، موافقت با قطعنامه های شورای امنیت که به وسیله آمریکا در مورد عراق - بعد از اشغال این کشور- ارائه شد، هماهنگی نسبی با غرب در مورد پرونده اتمی ایران و ... را میتوان از جمله اقدامات روسها برای نزدیکی به آمریکا است.

هدف پژوهش بررسی روابط آمریکا و روسیه است، مخصوصاً اخیراً به واسطه اقدامات آمریکا در اروپای شرقی این روابط رو به تیرگی نهاده است. سؤال پژوهش این است که کدام یک از رفتارهای ایالات متحده موجب تهدید و رنجش روسیه شده و روسیه چه واکنشی از خود نشان داده است.

چارچوب نظری

ژوزف نای از نظریه پردازان بنام روابط بین الملل در تشریح کیفیت روابط میان دول معتقد است که می توان طیفی از روابط را از رئالیسم (رقابت و نزاع) تا وابستگی متقابل (همکاری و تعامل) مورد شناسایی قرار داد. از نظر وی رئالیسم و وابستگی متقابل نمونه های اعلی^۱ از مدل های ساده هستند. روابط میان دولتها در برداری کشیده شده که یک سوی آن به رئالیسم و سوی دیگر به وابستگی متقابل ختم می شود.



از دیدگاه ژوزف نای کشورهای حوزه خاورمیانه به رئالیسم نزدیکترند و روابط میان کشورهای آمریکا و کانادا به وابستگی متقابل. روسیه و آمریکا در میانه این بردار قرار دارند. به عبارت دیگر سطوحی از رقابت و تنازع و همکاری و تعامل را میتوان در روابط روسیه و آمریکاییگیری نمود.

^۱ Ideal Type

در سالهای اخیر رقابت در روابط روسیه و آمریکا برجسته شده، بطوریکه طرفین را به موضعگیری علیه دیگری واداشته است. اگرچه مواردی متعددی از سالها قبل بر روابط دو کشور سایه انداخته بود، اما در نهایت با مطرح شدن استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی این روابط شدیداً رو به تیرگی گرایید. بر این اساس روابط دو کشور به سمت رئالیسم سوق پیدا کرد. ذیلاً به فشارهای آمریکا به روسیه اشاره خواهد شد و ادامه به واکنشهای روسیه به این فشارها پرداخته می شود.

فشارهای آمریکا بر روسیه

در طی دهه 90 قرن گذشته روسیه به واسطه ضعف فزاینده خود نمی توانست در برابر فشارهای غرب مقاومت کند و لذا بیشتر موضوعات و چالشها در روابط آنها متناسب با تمایلات آمریکا به پایان رسید. ذیلاً به آنها پرداخته می شود:

الف) بحران بوسنی: شاید مهمترین نمود فشار غرب بر روسیه در دهه گذشته بحران بوسنی باشد. علی رغم میل کرملین، واشنگتن به همراه متحدان خود در ناتو در بحران مذکور بوسنی دخالت کرد و علیه صربستان وارد جنگ شد و توانست بر آنها مستولی گردد. روسیه مخالف هرگونه اقدامی علیه صربها بودند. لذا آنچه روسها در بالکان باخته بودند کاراکتر و اعتبار بین المللی آنها بود.

ب) گسترش ناتو به سمت شرق: پس از فروپاشی شوروی و پیمان ورشو بسیاری از پژوهشگران مسائل امنیتی معتقد بودند که که تاریخ مصرف ناتو به سر آمده و این سازمان نیز فروخواهد پاشید. اما ناتو با تعریف نو از تهدیدات و تجدید ساختار نه تنها بقاء خود را حفظ کرد بلکه بر حوزه مسئولیت و جغرافیای خود را توسعه داده است. ناتو تمایل خود را برای پذیرش اعضا جدید در اروپای شرقی اعلام داشت. لذا ابتدا لهستان، مجارستان و جمهوری چک در سال 1999 و کشورهای بلغارستان، استونی، لاتویا، لیتوانی، رومانی، اسلوانی و اسلواکی نیز در سال 2004 به این اتحادیه امنیتی پیوستند. اخیراً گفته شده که کشورهای آذربایجان، گرجستان و حتی اسرائیل نیز تمایلشان را برای پیوستن به این سازمان نشان دادند. روسیه بارها مخالفت خود را با گسترش ناتو به سمت شرق ابراز داشت و مخصوصاً روسها نگرانی خود را در مورد هم‌مرز شدن ناتو و روسیه به اطلاع غرب رسانده و آنها را از این کار بر حذر داشتند.

پ) تجدید نظر و نقض قراردادهای خلع سلاح: در آمریکا پس از فروپاشی شوروی برخی از گروه‌ها که عمدتاً به جمهوریخواهان نزدیک بودند از متابعت واشنگتن به قراردادهای خلع سلاح که در دوره جنگ سرد به امضا رسیدند و یا چنین موافقتنامه‌هایی که در دهه 90 مطرح شدند استقبال نکردند. روی کار آمدن بوش پسر این رویه وارد مرحله جدیدی شد. بر این اساس این کشور معاهدات منع گسترش سلاحهای هسته‌ای (ان. پی. تی)¹، منع جامع آزمایشهای اتمی²، کنوانسیون سلاحهای شیمیایی³ - کنوانسیون سلاحهای میکروبی⁴، کنوانسیون ملل متحد برای تغییرات آب و هوایی⁵ و معاهده ضد مین را نقض کرد، از پیمان موشکاهی ضد بالستیک⁶ خارج شد و نه تنها وارد اساسنامه رم دیوان کیفری دادگستری⁷ نشد، بلکه تمامی توان خود را به کار برد تا این تشکل قضایی ناکارآمد گردد.

برای روسها نگرش آمریکا به قراردادهای خلع سلاح مخصوصاً (ان. پی. تی) و (ان. پی. ام) اهمیت ویژه‌ای داشته و دارد. زیرا روسها تنها کشوری هستند که در وضعیت بازدارندگی هسته‌ای نسبت به آمریکا قرار دارند، بطوریکه این مورد برای آنها موجب اعتبار بین الملل است. طبق مفاد (ان. پی. تی) اعضا باید کلیه اقداماتی را که در راستای توسعه سلاحهای هسته‌ای و انتشار آنها است اجتناب کنند. اما کاخ سفید تحت تأثیر دیدگاه‌های البرت وهلستر⁸ تولید نسل جدید سلاحهای هسته‌ای با قابلیت تاکتیکی را آغاز کرده است. معاهده (ان. پی. ام) که در سال 1972 آمریکا و شوروی را از بهره‌گیری یک سیستم دفاع موشکی - بطوریکه قدرت طرف مقابل را به چالش بکشد بر حذر می‌داشت به بهانه مقابله با تروریسم بوش در دسامبر 2001 با توسل به یکی از مفاد معاهده، قصد خود را مبنی بر خروج از این پیمان به اطلاع مسکو رساند و متعاقباً 6 ماه بعد از آن خارج شد. سلاحهای هسته‌ای روسیه و توانایی وسایل پرتاب آن مهمترین ابزار قدرت و امنیت روسها در محیط بین المللی خصوصاً در برابر آمریکا است و در صورتی آمریکا بتواند این سامانه را عملیاتی سازد دیگر بازدارندگی اتمی محلی از اعراب نخواهد داشت.

ت) تمایل آمریکا به حضور طولانی مدت در آسیای مرکزی: روسیه سالها پیش با طرح گفتمان ژئوپلیتیکی "خارج نزدیک"⁹ - که محیط جغرافیایی شوروی سابق است - تمایلی ندارد که قدرتهای فرامنطقه‌ای وارد

1) Non Proliferation Treaty (NPT)

2) Comprehensive Test ban Treaty (CTBT)

3) Chemical Weapon Council (CWC)

4) Biologic Weapon Council (BWC)

5) United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)

6) Anti-Ballistic Missile (ABM)

7) International Criminal Court (ICC)

8) Albert Vohlstetter

9) Near Abroad

چنین حوزه ای گردند و آنها محدود کرده یا کنار بزنند. در طی جنگ افغانستان که منجر به تصرف این کشور توسط ایالات متحده در نوامبر 2001 شد، این کشور توانست نیروهای خود را در پایگاه های نظامی خان آباد ازبکستان و مناس قرقیزستان مستقر سازد. روسها به صراحت گفته اند که تمایلی ندارند که نیروهای آمریکایی برای مدت طولانی در این پایگاه ها بمانند و باید منطقه را ترک کنند اما واشنگتن قصد خود را برای حضور طولانی در آسیای مرکزی به اطلاع آنها رساند.

ث) حمله به عراق: آمریکا به بهانه تلاش صدام برای کسب سلاحهای کشتار جمعی، همکاری با شبکه های تروریستی و نقض گسترده حقوق بشر تصمیم خود را برای حمله به عراق به اطلاع دیگر کشورها رساند. روسها در زمان حکومت صدام قراردادهای هنگفتی را در زمینه نفت و انرژی با بغداد امضا کرده بودند و لذا شدیداً نگران بودند که مبدا با تصرف این کشور توسط آمریکا از این منافع بی بهره گردند بر این اساس با حمله آمریکا به عراق شدیداً مخالف بودند. اما آمریکا به همراه مؤتلفین خود در 20 مارچ 2003 به عراق حمله برد. بعد از اشغال عراق نگرانی مسکو واقعیت یافت و آمریکا و انگلیس بر صنعت نفت عراق مستولی شدند. برخی از قراردادها بدون مناقصه به شرکتهای آمریکایی واگذار شده بود. شرکتهای روسی (به همراه شرکتهای فرانسوی و آلمانی که مخالف حمله به عراق بودند) تنها اجازه یافتند تا در مناقصه های کوچک شرکت کنند.

ج) ظهور انقلابهای رنگی در حوزه خارج نزدیک: در سالهای آغازین هزاره جدید میلادی جهانپان شاهد ظهور جنبشهای دموکراتیک در اروپای شرقی، قفقاز و آسیای مرکزی بودند که به انقلابهای رنگی موسومند. این جنبشهای دموکراتیک عمدتاً توسط سازمانهای غیر دولتی تحت حمایت مالی بنیادهای دموکراسی در آمریکا و غرب روی داد. برخی از آگاهان به مسائل منطقه ظهور حوادث مشابهی را در مولداوی، روسیه سفید و دیگر جمهوریهای شرق روسیه پیش بینی می کردند. در طی این حوادث جنگ لفظی تندی میان آمریکا و روسیه در گرفت.

چ) فشار بر کرملین به واسطه نقض حقوق بشر: روسیه به واسطه آنچه نقض حقوق بشر خوانده می شود از سوی غرب بالاخص آمریکا مورد فشار بوده و هست. از جمله بحران چین در این کشور حوادث امنیتی حادی آفرید. آمریکاییها رفتار روسیه با استقلال طلبان چینی را نقض حقوق بشر خواندند و بر اساس اینگونه اقداماتی مدعی بودند که روسیه تا یک دموکراسی تمام عیار فاصله دارد.

ح) استقرار طرح سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی: واشنگتن مدعی است سامانه دفاع موشکی در اروپای غربی در جهت مقابله با موشکهای میانبرد کشورهای به زعم وی (مثل کره شمالی) در این کشورها مستقر می‌کند. استقرار این سامانه در چک و لهستان موجب خواهد شد تا روسها بخشی از قابلیت و توان تهاجمی خود را مخصوصاً در برابر اروپا از دست بدهند. از دید مسکو، بر خلاف آنچه واشنگتن ادعا دارد این سامانه برای مقابله با موشکهای بین قاره ای آنها مسقر خواهد گردید و لذا موضع تندی علیه آن اتخاذ نمود. روسیه پیشنهاد داد تا بجای اروپای شرقی این طرح در پایگاه گاباله در جمهوری آذربایجان (پایگاهی که در اجاره آنها بود) مستقر شود (B.B.C). این پیشنهاد به نوعی آزمایش نیت واشنگتن بود. رد این پیشنهاد از سوی کاخ سفید دیگر جای هیچ شبهه‌ای را نگذاشت که آمریکائیا از اجرای این طرح در صددند تا توانایی آفندی روسیه را محدود کنند.

اگرچه اختلافات روسیه و آمریکا صرفاً محدود به موارد مطرحه نیست اما موارد فوق از جمله مهمترین عواملی بودند که موجب شده تا امنیت، منافع ملی و پرستیژ بین المللی روسیه از سوی آمریکا به چالش کشیده شود.

واکنشهای روسیه در برابر آمریکا

روسیه با ملاحظه به موارد فوق تلاش داشته تا با بهره گیری از مجموعه ای از امکانات و لوازم در مقابل فشارها از خود واکنش نشان دهد. رشد سرشار درآمدهای نفتی، منابع مالی لازمه را در اختیار مسکو قرار داده تا طرحهای جاه طلبانه خود را به اجرا در آورد. بر اساس یک رویکرد تطبیقی می توان واکنشها را در موارد زیر دسته بندی نمود.

الف) افزایش قدرت نظامی: در واقع مهمترین نمونها در واکنش روسیه در افزایش توان نظامی این کشور جستجو می شود. مطرح شدن استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای غربی بیش از هر عامل دیگری در اتخاذ این استراتژی نقشی تعیین کننده داشت. در بهمن 1385 سرگئی ایوانف، وزیر دفاع سابق روسیه در یک سخنرانی در شورای فدراسیون روسیه از برنامه 189 میلیارد دلاری این کشور برای تجدید توان نظامی روسیه خبر داد که بر اساس آن تا سال 2015 بیش از نیمی از سلاحهای قدیمی با سلاحهای جدید جایگزین خواهند شد. در سالهای اخیر بودجه دفاعی روسیه روسیه رشد قابل ملاحظه ای داشته است و در

سال 2007 با رشدی 30 درصدی نسبت به سال قبل به رقم 32/4 میلیارد دلاری رسیده که بعد از فروپاشی شوروی بی سابقه است (نوری، 1386).

چندی بعد از خروج آمریکا از پیمان (ا. بی. ام) و آغاز تلاشها برای دستیابی به سیستم دفاع موشکی توسط آمریکا، روسها نیز تلاش خود را در جهت حفظ مزیت بازدارندگی آغاز کردند. ماحصا این تلاشها تولید موشک بالستیک بوده که بنا به گفته مقام‌های روسی توانایی نفوذ در سیستمهای ضد موشکی را دارد و لذا از این نظر روسها توانستند قبل از اینکه آمریکاییها طرح خود را عملیاتی سازند به ابزار مناسب برای بی اثر سازی آن دست یابند.

تولید این موشک خشم مقامات پنتاگون را در پی داشته است و در عین حال نقطه قوتی برای مسکو تلقی می شود که توانسته است قابلیت بازدارندگی خود را همچنان حفظ کند. موشکهای بالستیک جدید Topol-m روسیه ویژگیهایی دارند که این امکان را به آنها می دهند که از سپر دفاع موشکی آمریکا عبور کنند.

مقامات روسیه اعلام کردند که پر قدرت ترین بمب موجود در جهان به نامک «پدر همه بمبها» را که قدرتی بیش از بمبهای هسته ای استراتژیک دارد به وسیله بمب افکن استراتژیک مافوق صوت خود یعنی TU-160 آزمایش کرد. روسها این بمب را در نقطه مورد نظر رها کردند. به گفته مقامات روسی بمب روسی از مادر همه بمبها که آمریکا در اختیار دارد کوچکتر است ولی بهره گیری از فناوری نانو چهار برابر از بمب مذکور قویتر است. روسیه همچنین ماهواره نظامی خود را از طریق پایگاه بایکونور قزاقستان به فضا فرستاد. البته سیاست نظامی روسیه صرفاً به موارد فوق محدود نمی شود.

ب) تجدید نظر در قراردادهای خلع سلاح: پوتین در پاسخ به طرح سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی و اقدامات کشورهای غربی در گسترش ناتو مشارکت روسیه را در پیمان نیروهای متعارف به حال تعلیق درآورد. پیمان نیروهای متعارف در 19 نوامبر سال 1990 در پاریس بین کشورهای عضو ناتو و ورشو - یک سال قبل از فروپاشی شوروی به امضا رسید. پیمان مذکور در سال 1999 با اصلاحاتی تجدید شد، ولی کشورهای غربی عضو ناتو این پیمان را به تصویب نرساندند. آنها مدعی هستند که چون نیروهای روسی در برخی از مناطق جدایی طلب در گرجستان و مولداوی مستقر هستند، لذا آنها نمی توانند این پیمان را بصورت عملی به اجرا بگذارند. روسیه تهدید کرد که از پیمان میانبرد هسته ای خارج خواهد شد.

پیمان مزبور در هشتم دسامبر 1987 امضاء شد و از مه 1988 به اجرا درآمد. این پیمان برای مدت نامحدود نابودی و ممنوعیت دائمی موشکهای بالستیک آمریکایی و روسی با برد بین 500 تا 5500 کیلومتر را پیش بینی میکند.

پ) افزایش پیوندهای استراتژیک با چین: روسیه به خوبی می‌داند که مقدرات داخلی این کشور جوابگوی مقابله با محذورات غرب نیست و لذا تلاش دارد تا با افزایش پیوندهای چندجانبه با کشورهای جهان بالاخص با چین بر قدرت خود بیفزاید. روابط روسیه و چین در سالهای اخیر چه در قالب پیمان شانگای و چه در قالب روابط دوجانبه بیش از پیش افزایش یافته است. از دید بسیاری از پژوهشگران مسائل امنیتی و استراتژیک، پیمان شانگهای نمایاننده تلاش روسیه و چین در برابر فشارهای غرب و آمریکا است.

پیمان شانگهای 6 عضو اصلی (روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان) و چهار عضو ناظر (ایران، هند، پاکستان و مغولستان) داشته و بزرگترین تشکل اوراسیا است. روسیه و چین در این پیمان دست برتر را دارند. راهبرد روسیه در این پیمان کاملاً امنیتی است. گرچه پیمان شانگهای در حال حاضر توجه خود را معطوف به تهدیدات منطقه ای چون تجزیه طلبی، بنیادگرایی اسلامی، مواد مخدر و داروهای روانگردان نموده است، اما به باور بسیاری از محققان این سازمان در آینده با ترمیم ساختار و بازتعریف تهدیدات در برابر غرب و ناتو خواهد ایستاد.

علاوه بر پیمان شانگهای و چین، روسها اقدامات در خور توجهی برای افزایش حضور خود در عرصه های بین المللی انجام داده اند. گسترش روابط با آلمان و هند، افزایش سطح روابط با ج.ا.ایران و اتخاذ موضع مستقل در مورد پرونده اتمی ایران، تمایل به ورود به بحران خاورمیانه با دعوت از حماس و ... از آن جمله اند.

ت) مقابله با ظهور انقلابهای رنگی در خارج نزدیک: انقلابهای رنگی موجب سردی در روابط دو کشور شد، تاجائیکه جنگ لفظی تندی میان مسکو و واشنگتن در گرفت. روسها برای مقابله با آن راهکارهایی را برگزیدند. یکی از این راهکارها تحت فشار قرار دادن دولتهای انقلابی در اوکراین و گرجستان بود. با توجه به اینکه این کشورها عمده انرژی خود را از روسیه دریافت می کردند، لذا مسکو با این ابزار سعی کرد تا آنها را تحت فشار قرار دهد.

اما راهکار دیگر کرملین اینست تا با افزایش پیوندها و همکاریها با کشورهای حوزه خارج نزدیک احتمال ظهور این چنین جنبشهای دموکراتیکی را محدود سازد که نتیجه امکان بهره گیری واشنگتن فراهم خواهد شد. البته اینچنین طرحهایی نیز مورد موافقت رهبران اقتدارگرای این جمهوریها قرار می گیرد. زیرا آنها نیز تمایلی ندارند تا موقعیت خود را در رأس قدرت سیاسی کشورهایشان از دست بدهند

ث) بکارگیری لختی تند و خصمانه علیه ایالات متحده: پوتین و بوش در پی وقوع حملات یازده سپتامبر 2001 روابط حسنه ای با هم برقرار کردند و مواضع آنها درقبال هم مثبت بود. اما به ابتدأ به واسطه انقلابهای رنگی و در نهایت به واسطه استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی مواضع روسیه نسبت به آمریکا تند و خصمانه شد.

پوتین در سال 2006 در یک سخنرانی امریکا را به گرگی گرسنه تشبیه کرد که می داند چه چیزی رابخورد و بدون توجه به دیگران طعمه هایش را بلعد. وی در کنفرانس امنیتی مونیخ که مقامات عالی رتبه بسیاری از کشورها در آن حضور داشتند از لختی علیه آمریکا بهره برد که از دید برخی یادآور عصر جنگ سرد بود. نقطه تمرکز پوتین یکجانبه گرایی آمریکا بود. وی گفت که: اقدامات یکجانبه و اغلب نامشروع آمریکا فاجعه های جدیدی را به بار آورده است و کانونهای جدید تنش ایجاد کرده است. آمریکا مرزهای ملی را درهم شکسته و هر روز بیشتر و بیشتر از قوانین دور می شود. پوتین در نقد ساختار تک قطبی آنرا با نظام ارباب-رعیتی تشبیه کرد و گفت نظام تک قطبی غیر دموکراتیک می باشد. وی گفت واشنگتن اجرای قوانین خود را به نحوی که موجب بی اعتباری قوانین بین المللی می شود به فراتر از مرزهای خود گسترش می دهد و این سیاست آمریکا بسیار خطرناک است. هیچ کس احساس امنیت نمی کند، زیرا نمی تواند خود را در پناه قانون قرار دهد.

. بنابراین می توان به درستی دریافت که روابط دو کشور در وضعیت جنگ نرم قرار دارد. پوتین در یک اظهار نظر جنجالی در مورد طرح سپر دفاع موشکی آمریکا آنرا با بحران کوبا (1962) مقایسه کرد. "ایوانف، وزیر دفاع سابق روسیه نیز این طرح را به دیوار برلن تشبیه کرد".

علاوه بر این انتقادات صریح و بی پرده، مسکو چک و لهستان را به اقدامی تلافی جویانه تهدید کرد. وی همچنین اعلام کرد که آرایش نیروهای نظامی ناتو را در نزدیکی مرزهای خود تحمل نخواهد کرد و در

صورت لزوم از خود واکنش نشان خواهد داد. این چنین تهدیداتی موجب شده که واکلاو کلاوس¹ رئیس جمهور چک از بوش ضمانتهایی برای ایجاد هماهنگی با روسیه در مورد استقرار سپر دفاع موشکی و حمایت از کشورش در برابر واکنشهای مسکو در یافت کند (Loven, 2007).

نتیجه گیری

ضعف روسیه پس از فروپاشی شوروی موجب گردید که مسکو در روابط با غرب تا حدود زیادی از ادعاهای خود دست بشوید. با افزایش قیمت نفت و روی کار آمدن پوتین و اتخاذ سیاست عملگرایانه در اوایل هزاره جدید، این کشور بار دیگر تلاش داشته تا موقعیت و اعتبار خود را بازیابد. واشنگتن در سالهای اخیر با اقداماتی موجب رنجش مسکو شده بود. روسها نیز متناسباً با اقداماتی تلاش داشتند تا در برابر آمریکا بایستند.

رقابت آمریکا و شوروی در سه حوزه ایدئولوژی، تسلیحات و نفوذ در کشورهای مربوط به جنبش عدم تعهد تمرکز یافته بود. به نظر می رسد میان روسیه به عنوان بزرگترین وارث شوروی سابق و آمریکا رقابتهای تسلیحاتی و تلاش برای گسترش دایره ی نفوذ در محیط بین المللی برای یارگیری بار دیگر احیاء گردید. نزدیکی به چین، آلمان، هند و ایران، نزدیکی به اعراب، همکاریهای راهبردی با ایران و اتخاذ موضع مستقل در قبال برنامه اتمی ایران، افزایش فروش تسلیحات به کشورهای جهان سوم و ... بیانگر تلاش روسیه برای مقابله با تلاشهای آمریکا علیه روسیه است.

علی رغم اینکه روسیه و آمریکا در حوزه تسلیحاتی و نفوذ بین المللی رقابت فشرده ای را آغاز کرده اند، اما فقدان نقش ایدئولوژی در این رقابت و همکاریهای امنیتی دو کشور روابط دو کشور را از وضعیت جنگ سرد دور می سازد. بر این اساس می توان گفت که روابط روسیه و آمریکا در وضعیت همکاری و رقابت قرار دارد؛ اما با این توضیح که تحولات جدید موجب برتری رقابتی بر وجه همکاری آن شده است.

1) Vaclav Klaus

منابع

آرامی، سید جواد (1388/4/23) «نگاهی به روابط روسیه و آمریکا (تاکتیک یا راهبرد؟)» در <http://www.islamtimes.org>

قهرمانپور، رحمان، (1386) «ورای بازدارندگی»، همشهری دیپلماتیک، سال هفتم، نیمه شهریور 86.

موسوی، سید رسول، (1386)، «نقد یکجانبه گرایی»، همشهری دیپلماتیک. شماره دوازدهم. نیمه اسفند.

یزدانی، عنایت اله، شجاع، مرتضی، (1385) «نفت: ابزار قدرت در قرن بیست و یک»، *دوماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره های 223-224.

نوری، علیرضا، (1386/6/14)، «جاه طلبیهای نظامی روسیه»، در:

www.iras.ir [کدخبر 5520]

Loven, Jennifer (2007) Bush Defense Misslie Defense Shild. at:

www.washingtonpost.com.

Nye, Joseph (2000) "Understanding International Conflict" , NewYork, Longman.

Rianovosti [A] (9/10/2007) "The Russian Model- DO Russia and China Provide an Alternative to Liberal democracy".at: www.rian.ru.

Rianavosti [B] (6 November, 2007) "Russia and China Prime Minister's Open Economic Forum in Mosco". At:

www.rian.ru

Weitz, Richard (2003) "Why Russia and China Have-not Formed an Anti-American Alliance" , Naval War College Riview, Vol. LVI, No 4.